خبر

پزشکیان: می‌توانیم با عزت گفت‌وگو و موضوع را تمام کنیم

رئیس‌جمهوری با اشـاره به توطئه‌های دشمنان برای ضربه‌زدن به ایران، گفت: مقام معظم رهبری دستور دادند وضعیت نه جنگ نه صلح را پایان دهیـم. می‌توانیم با عـزت گفت‌وگو و موضوع را تمام کنیم. مـا اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم و منطق حکم می‌کند، اگر می‌توانیم حق خود را با گفت‌وگو بگیریم، خودمان را درگیر جنگ نکنیم اما در مقابل زور و قلدری هم تسلیم نخواهیم شد. مسعود پزشکیان، با تأکید بر اینکه مدیریت صنایع تولیدی باید از دولتی‌بودن خارج شـود، گفت: تاب‌آوری و استقلال کشـور با افزایش تولید و تأمین نیاز کشور انجام شده است، مدیر خوب و موفق کسی است که نگاه والا و برترشدن داشته باشد. باید خود را بالاترین و برترین بدانیم تا بتوانیم در مسـئولیت و کار خود موفق شـویم و پیشـرفت کنیم. رئیس‌جمهوری با بیـان اینکه باور و اعتقادم این اسـت از هیچ کشوری کمتر نیستیم و هیچ چیزی از دیگران کمتر نداریم، اظهار کرد: باید نگاه خود را برای بهترین‌شدن تغییر دهیم. امروز هستم و مسئولیت دارم برای کشور و مردم خدمتی انجام دهم. افق نگاه ما باید بهترین‌شدن باشد و در مسیر حرکت خود هر روز بهتـر و کارآمدتر از دیروز باشـیم. پزشـکیان با تأکید بر ضرورت شناسـایی و به‌کارگیری دقیق ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مدیران و متخصصان و شکوفاشـدن ایـن توانمندی‌ها، گفت: می‌توانیم با جلب مشـارکت و همراهی مردم و افزایش سعی و تلاش خود زمان به‌بهره‌برداری‌رسیدن طرح‌ها و پروژه‌ها را کاهش دهیم. وقتی نپذیریم از دیگران کمتر هسـتیم و این باور در ذهن مدیران ما شـکل بگیرد، موفق خواهیم شد و دشمنان در تحقق اهدافشان ناکام می‌شود.

نمی‌توانم بپذیرم کسی در کشور شب گرسنه بخوابند

او با تأکید بر اینکه برازنده ما نیست با وجود امکانات و منابع سرشار در کشور مردم ما با مشـکل مواجه باشند، تصریح کرد: نمی‌شود من مسئول باشم و بپذیرم مردم کشـور مشکل داشته باشند. موظف هستیم با خدمت به مردم مشکلاتشان را حل کنیم. نمی‌توانم بپذیرم کسی در کشور شب گرسنه بخوابند یا خانواده‌ای در تأمین داروی مورد نیاز خود در مضیقه باشد.

اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم اما در مقابل قلدری تسلیم نخواهیم شد

رئیس‌جمهوری با اشـاره به توطئه‌های دشـمنان برای ضربه‌زدن به ایران، گفت: مقام معظم رهبری دسـتور دادند وضعیت نه جنگ نه صلـح را پایان دهیم. ما می‌توانیـم با عـزت گفت‌وگو و با عزت موضوع را تمام کنیـم. ما اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم و منطق حکم می‌کند اگر می‌توانیم، حق خود را با گفت‌وگو بگیریم، خودمان را درگیر جنگ نکنیم. اما در مقابل زور و قلدری هم تسلیم نخواهیم شد. در سخنرانی مجمع عمومی سازمان ملل نیز تأکید کردم ما اهل گفت‌وگو براساس عدالت و در شرایط برابر و مساوی هستیم و حق خود را مطالبه می‌کنیم اما زیر بار زور هم نخواهیم رفت.

اگر با مشکلات مواجه هستیم، به دلیل عملکرد خودمان است

پزشـکیان در ادامه با تأکید بر اینکه وقتی مدیر و هر فردی برای آبروی کشـورش و تحقق باور و اعتقاد خود از همه‌چیزش می‌گذرد، شایسـته تقدیر اسـت، افزود: اگر بتوانیم این فرهنگ را در جامعه توسـعه دهیم، ایران ما به عزت و سـربلندی می‌رسـد. اگر وضعیت امروز کشور این‌گونه اسـت و با مشکلات مواجه هستیم، به خاطر عملکرد خودمان اسـت که بایـد آن را اصلاح کنیم. رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سـخنان خود با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف و صرفه‌جویی در مصرف انرژی اعم از بنزین، برق و گاز، گفت: همه ما باید تلاش کنیم با مدیریت مصرف اجازه ندهیم تولید متوقف شـود. همه موظف هسـتیم معیشـت مردم را تأمیـن کنیم. باید تلاش کنیم با صرفه‌جویـی و مدیریت مصرف، تولید در همه محصولات مورد نیاز مردم افزایش یابد.

می‌خواهم برای صرفه‌جویی، اتاق خود را به جای کوچک‌تری منتقل کنم

پزشـکیان با اشـاره به درخواسـت خود برای خاموش‌کـردن چراغ‌های اضافه سـالن، گفت: با خاموش‌کردن چراغ‌های اضافه، هیـچ اتفاقی نیفتاد. اگر مصرف را مدیریـت کنیم و صرفه‌جویی را در دسـتور کار خود قرار دهیم، کمک بزرگی به متوقف‌نشدن چرخه تولید خواهیم کرد. تصمیم دارم حتی دفتر کار و اتاق خود را به جای کوچک‌تری منتقل کنم تا در مصرف انرژی صرفه‌جویی شـود. می‌توانیم در فصل سرما با کاهش مصرف و سیستم‌های گرمایشی با استفاده از لباس بیشتر به صرفه‌جویی کمک کنیم. او با تأکید بر اینکه در مدیریت تولید باید برای افزایش بهره‌وری تلاش کنیم و با خلاقیت و ایجاد انگیزه و تشـویق کارکنان افزایش تولید در مراکز تولیدی و صنایع کشـور را رقم بزنیم، اظهار کرد: باید توجه داشته باشیم در مسیر توسعه، روند بی‌رویه مصرف منابع کشور و خالی‌کردن معادن نمی‌تواند ادامه داشته باشـد. حق نداریم آینده را نادیده بگیریم و نابود کنیم. توسعه پایدار بدون درنظرگرفتن آینده و حفظ منابع محقق نخواهد شد.

ناطق‌نوری تأکید کرد: توجه مسئولان به مطالبات، معیشت و نیازهای واقعی جامعه

حجت‌الاسـلام ناطق‌نوری با تأکید بر حفظ انسجام ملی و حمایت از رهبر انقلاب تأکید کرد: تاب‌آوری مردم در مواجهه با دشـواری‌ها و فشـارهای اقتصادی و اجتماعی، ارزشمند است و صیانت از آن مستلزم توجه جدی مسئولان بـه مطالبات، معیشـت و نیازهـای واقعی جامعه اسـت. دبیـر کل و اعضای هیئت‌رئیسـه شـورای مرکزی حزب مؤتلفه اسـلامی در دیدار با حجت‌الاسلام علی‌اکبر ناطق‌نوری، ضمن بررسی مهم‌ترین مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشـور، بر ضرورت تقویت انسـجام ملـی، حمایت از نیروهای مسـلح، توجه به معیشت مردم و تبعیت از رهنمودهای رهبری تأکید کردند. در این دیدار همچنین ناطق‌نوری انتخاب رهبری جدید از سـوی مجلس خبرگان را تصمیمی احسـن و اصلح در چارچوب مصالح عالیه نظام توصیف کرد. در این دیدار که با هدف تبادل نظر و بررسـی تحولات و مسائل جاری کشـور برگزار شد، طرفین ضمن گفت‌وگو درباره مهم‌ترین موضوعات سیاسـی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بر ضرورت توجه به اقتضائات شرایط کنونی کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی برای عبور از مسـائل و چالش‌های موجود به‌ویژه بحث معیشـت مردم تأکید کردند. در این نشست با اشاره به شـرایط حسـاس منطقه‌ای، بین‌المللی و تحولات پیش‌روی کشـور، بر اهمیت حفظ انسجام ملی، تقویت همبسـتگی اجتماعی و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های بنیادین اقتدار و امنیت ملی یادآوری کردند.

«دروازه آهنین» و آرایش تازه قدرت در منطقه؛ گفت‌وگو با ژند شکیبی درباره معادلات تهران، مسکو و واشینگتن

جبهه تازه در خزر

شکیبی: مسکو ترجیح می‌دهد از وضعیت فرسایشی موجود بین ایران و آمریکا بهره‌برداری کند

عبدالرحمن فتح‌الهی: سـنتکام روز یکشـنبه از تشـکیل کارگروه «دروازه آهنین» به دسـتور برد کوپر، فرمانده این نهاد، خبر داد. مأموریت اعلام‌شـده این کارگروه، رصد و مختل‌کردن انتقال تسلیحات پیشـرفته، فناوری‌های دومنظوره، کالاهای تحریمی و جریان‌های مالی مرتبط با ایران اسـت. بر اسـاس گزارش‌هـا، دامنه فعالیت این مجموعه علاوه بر بنادر جنوبی، مسـیرهای زمینی و دریای خزر را نیز در بر می‌گیرد؛ مسـیرهایی که به‌ویژه در مبادلات تجاری و ترانزیتی ایران و روسـیه اهمیت دارند. اگرچه جزئیات سازوکار اجرائی و میزان توان عملیاتی این کارگروه هنوز به‌طور کامل روشن نشده است، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در پیامی درباره ایران مدعی شد نیروی ویژه موسـوم به «دروازه آهنین» با تمام ظرفیت در حال فعالیت است و در کنـار آنچه او «بزرگ‌ترین محاصره دریایی تاریخ» خواند، تقریبا هیچ کالایی امکان ورود به ایران یا خروج از آن را ندارد. در این بین باید توجه داشـت تشـکیل کارگروه «دروازه آهنین» را می‌توان نشـانه‌ای از تلاش واشـینگتن برای گسترش دامنه فشار بر ایران و محدودکردن مسـیرهای ارتباطی و تجـاری آن، فراتر از آب‌های جنوبی و به سـمت مرزهای زمینی و دریای خزر دانسـت. اهمیت این موضوع از آن رو است که دریای خزر با توجه به موقعیت جغرافیایی و حضور بازیگرانی همچون روسـیه و سایر کشورهای سـاحلی، شرایط و ملاحظات متفاوتی نسـبت به خلیج فارس و دریای عمان دارد. از این منظر، هرگونه تلاش برای اعمال محدودیت در این منطقه، صرفا یک اقدام تجاری یا اقتصادی تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند ابعاد ژئوپلیتیکی و امنیتی گسترده‌تری پیدا کند و معادلات منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار دهد. از همین منظر و با هدف واکاوی ابعاد مختلف معادلات ژئوپلیتیکی دریای خزر و مناسـبات ایران، روسـیه و آمریکا در پرتو طرح «دروازه آهنین»، به گفت‌وگو با دکتر ژند شکیبی پرداختیم. دکتر شکیبی از پژوهشگران برجسته حوزه مطالعات روسیه و ایران و استاد سیاست تطبیقی است. او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌های روسیه‌شناسی و سیاست تطبیقی در مدرسه اقتصاد لندن (LSE) و تاریخ روسیه در دانشگاه دولتی سن‌پترزبورگ گذرانده است و همچنین سابقه پژوهش در دانشگاه ایالتی نیویورک و تدریس و فعالیت علمی در مدرسه اقتصاد لندن را در کارنامه دارد. شکیبی در مقام پژوهشگر مؤسسه IDEAS دانشگاه LSE و استاد مدعو گروه روسیه‌شناسی دانشکده مطالعات جهان دانشـگاه تهران نیز فعالیت کرده اسـت. از جمله آثار برجسته او می‌توان به کتاب‌های «روسیه و غرب‌انگاری»، «خاتمی و گورباچف» و «ایران پهلوی و سیاست غرب‌انگاری» اشاره کرد؛ آثاری که به وجوه مختلف تاریخ سیاسی، تحولات فکری و مناسبات ایران و روسیه با غرب می‌پردازند. متن پیش‌رو مشروح این گفت‌وگو است.

•••

می‌خواهم مشخصا به معادلات خزر در بستر پروژه دروازه آهنین ورود کنیم. چون با تشـکیل کارگروه «دروازه آهنین»، به نظر می‌رسد واشینگتن درصدد است دامنه محاصره ایران را از آب‌های جنوبی به مسـیرهای زمینی و دریای خزر گسترش دهد. اهمیت این تحول در آن اسـت که خزر، برخلاف خلیج فارس و دریای عمان، صرفا یک مسیر تجاری نیست و به‌واسـطه حضور روسیه و دیگر کشورهای ساحلی، واجد ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی متفاوتی است. از منظر شما، تمرکز آمریکا بر این پهنه آبی چه معنایی دارد و واشینگتن تا چه اندازه می‌تواند از طریق ابزارهای اطلاعاتی، اقتصادی و لجستیکی، مسیرهای تجاری ایران در خزر را محدود یا مختل کند؟

ایالات متحده می‌تواند تجـارت و ترانزیت ایران از طریق دریای خزر را محدود کند، اما بـا یک محدودیت مهم جغرافیایی و حقوقی روبه‌رو اسـت؛ دریای خزر دریایـی محصور اسـت و ایالات متحده نه خط سـاحلی، نه پایگاه دریایی و نه صلاحیت سرزمینی مسـتقیمی در آنجا دارد. بنابراین، ابزارهای اصلی واشینگتن برای محدودکردن فعالیت‌های ایران، به‌جای محاصره متعارف دریایی، اقتصادی، مالی، دیپلماتیک و غیرمستقیم خواهد بود. چندین راه برای اجرای چنین سیاستی وجود دارد. ۱. تحریم کشـتیرانی و تجارت دریایی؛ اینجا وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌تواند شرکت‌های کشـتیرانی ایرانی و کشتی‌هایی را که در دریای خزر فعالیت می‌کنند، تحریم کند یا شـرکت‌هایی را هدف قرار دهد که نفت ایران، فرآورده‌های نفتی، تسلیحات یا کالاهای مشـمول تحریم را حمل می‌کنند. ضمنا شرکت‌های خارجی ارائه‌دهنده خدمات بیمه، تأمین مالی، خدمات بندری یا تعمیر و نگهداری کشتی‌های ایرانی تحریم‌شده را مشمول تحریم کند. در عین حال علیه شرکت‌های خارجی که آگاهانه برخی معاملات ممنوع با ایران را تسهیل می‌کنند، تحریم‌های ثانویه اعمال کند. چنین اقداماتی می‌تواند دسترسـی کشتی‌های ایرانی به بیمه، منابع مالی، خدمات بین‌المللی و شـرکای تجاری را به‌مراتب دشوارتر کند. البته باید توجه داشـت تحریم‌ها به‌طور خودکار همه اشـکال تجارت ایران را ممنوع نمی‌کنند؛ میزان اثربخشی آنها به همکاری دولت‌ها و شرکت‌های خارجی بستگی دارد.

اینجا شـما دو نکته را عنوان کردید. اولا ایالات متحده در خزر نه خط ساحلی، نه پایگاه دریایی و نه صلاحیت سرزمینی مستقیمی دارد. ضمنا موضوع نظارت تحریمی را عنوان کردید، اما بنا بر تذکر شـما، دریای خزر محصور است. لذا از نظر جغرافیایی و حقوقی، شـرایطی متفاوت از آب‌های آزاد دارد و کشورهای ساحلی آن نیز نسبت به حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای حساسـیت دارند. آیا اساسا آمریکا امکان حضور غیرمستقیم نظامی یا اجرای عملیات تحریمی و توقیف محموله‌ها در این پهنه را دارد؟ اگر واشینگتن بخواهد بدون اسـتقرار نظامی مستقیم، از طریق همکاری با کشورهای ساحلی یا اعمال فشار بر شـبکه‌های حمل‌ونقل و تجارت به اهداف خود برسد، چه ابزارهایی در اختیار خواهد داشت؟ مرز میان نظارت و اختلال در تجارت با مداخله نظامی در این منطقه کجاست؟

واشینگتن می‌تواند از فشـارهای دیپلماتیک و اقتصادی برای منصرف‌کردن این کشورها از تسـهیل تجارت ایران استفاده کند. برای مثال، آمریکا می‌تواند آذربایجان را به نظارت و بررسـی دقیق‌تر ترانزیت تجاری ایران تشـویق کند. ممکن اسـت بر قزاقستان فشار وارد کند تا مانع تسهیل معاملات مشمول تحریم توسط شرکت‌های خود شـود. ترکمنسـتان نیز ممکن اسـت در زمینه همکاری‌های تجاری با ایران با فشارهای دیپلماتیک مواجه شود.


عکس: سهند تاکی، شرق

دربارە روس‌ها چطور؟ مسکو به دروازه آهنین آمریکا تمکین می‌کند؟

تأثیرگذاری بر روسـیه بسیار دشـوارتر خواهد بود، به‌ویژه با توجه به تقابل خود مسکو با ایالات متحده.

این را بپرسـم که بخش مهمـی از اهمیت دریای خزر برای ایران به مناسـبات تجاری، ترانزیتی و همکاری‌های راهبردی با روسـیه بازمی‌گردد. محدودسازی این مسیرها عملا می‌تواند منافع مسکو را نیز تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، آیا می‌توان انتظار داشت روسیه در برابر هرگونه تلاش آمریکا برای محدودکردن مبادلات ایران در خزر موضعی فعال و بازدارنده اتخاذ کند؟ مسـکو چه ملاحظاتی در قبال امنیت منطقه، روابط خود با تهران و مناسـباتش با غرب دارد و این ملاحظات تا چه اندازه بر رفتار آن اثر می‌گذارد؟

آمریکا می‌تواند همکاری اطلاعاتی خود با آذربایجان، قزاقسـتان و دیگر شرکای منطقه‌ای را برای شناسـایی موارد زیر گسـترش دهد؛ کشتی‌هایی که محموله‌های مشـمول تحریم حمل می‌کنند، انتقال کالا از یک کشـتی به کشـتی دیگر با هدف پنهان‌کردن مبدأ کالاها، شرکت‌ها و واسطه‌هایی که در تأمین تجهیزات نظامی نقش دارنـد. محموله‌های حاوی فناوری‌های دوگانه؛ یعنـی فناوری‌هایی که هم کاربرد غیرنظامی و هم کاربرد نظامی دارند. واشینگتن سپس می‌تواند از این اطلاعات برای اعمال تحریم‌های جدید، پشـتیبانی از بازرسی‌های گمرکی توسط کشورهای همکار و تحقیق درباره شـبکه‌های تأمین و خرید تجهیزات استفاده کند. در مجموع، تصور من این اسـت که نیروی ویـژه «دروازه آهنیـن» (Task Force Iron Gate) با هدف افزایش هزینه، آشکارسازی و غیرقابل اتکا کردن مسیرهای تأمین کالا از طریق دریای خزر برای ایران طراحی شـده اسـت، نه با هدف مسـدودکردن فیزیکی دریای خزر. در عین حال، حتی اگر واشـینگتن بتواند همکاری این کشورها را جلب کند (که من در این مورد تردید دارم)، مدتی طول خواهد کشـید تا نتایج ملموس و عملی چنین همکاری‌ای مشاهده شود.

جا دارد پای معادلات جنگ اوکراین را هم به میان بیاورم. مناسـبات روسـیه و آمریکا همچنان تحت تأثیر جنگ اوکراین، تحریم‌های غرب و تلاش‌های دیپلماتیک برای مدیریت این بحران قرار دارد. در چنین شرایطی، پرونده ایران می‌تواند به یکی از متغیرهای مؤثر در تعاملات و چانه‌زنی‌های مسـکو و واشـینگتن تبدیل شود. آیا پوتین ممکن اسـت در مواجهه با بحران ایران، ملاحظات مربوط به جنگ اوکراین و رابطه خود با ترامپ را در اولویت قـرار دهد؟ به بیان دیگر، آیا احتمال دارد پرونده ایـران به موضوعی برای معامله یـا چانه‌زنی میان دو قدرت تبدیل شـود یا منافع راهبردی روسیه اجازه چنین رویکردی را نمی‌دهد؟

درباره روسـیه و احتمال همکاری با آمریکا، باید میان دو موضوع تفاوت مهمی قائل شـد؛ اینکه روسـیه با برخی محدودیت‌ها علیه ایران کنار بیاید و اینکه فعالانه به آمریکا برای برچیدن مسـیرهای تجاری و تأمین کالاهای ایران کمک کند. من سه رویکـرد احتمالی برای روسـیه در نظر می‌گیرم. ۱. همکاری محدود: روسـیه اجازه دهد برخی شبکه‌های تجاری ایران مختل شوند، به‌ویژه آنهایی که اهمیت راهبردی خاصـی برای مسـکو ندارند. ۲. همـکاری معامله‌محور: روسـیه در ازای دریافت امتیازاتـی در زمینـه اوکراین، تحریم‌ها یا روابط اقتصادی، همـکاری محدودی را با واشـینگتن درباره ایران پیشنهاد کند. ۳. مقاومت فعال: روسیه از دسترسی ایران به دریای خزر محافظت کند و به تهران برای دورزدن محدودیت‌های آمریکا کمک کند.

کدام حالت را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟

احتمال دوم به‌ویژه جالب توجه است، اما احتمال سوم نیز همچنان بسیار جدی است.

چرا؟

چون در نهایت، روسیه دلایل محکمی برای همکاری‌نکردن با واشنگتن دارد.

چـه دلایلی؟ یعنی برای روس‌ها، ایران از اهمیت بیشـتری نسـبت به آمریکا برخوردار است؟

من موضوع را طور دیگری می‌بینم؛ موضوع اهمیت و اولویت نیسـت. اولا، ایران یک شـریک راهبردی روسیه است. دو کشـور در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ معاهده مشارکت جامع راهبردی امضا کردند. این معاهده حوزه‌هایی مانند تجارت، حمل‌ونقل، انرژی، امنیت و همکاری‌های فنی و نظامی را در بر می‌گیرد. دوم، مسکو و تهران از همکاری متقابل خود در به چالش کشیدن هژمونی آمریکا منافع مشترکی دارند؛ هژمونی‌ای که به دلیل بی‌کفایتی ترامپ در حال تضعیف‌شـدن است. سـوم، دریای خزر برای روسـیه اهمیت راهبردی دارد. مسکو علاقه‌مند است نفوذ خود را بر کل این منطقه حفظ کند و بعید اسـت بخواهد با ایجاد چنین سابقه‌ای، به واشینگتن این امکان را بدهد که تعیین کند کدام کشورها می‌توانند از این دریا برای تجارت استفاده کنند. در واقع، مسکو دریای خزر را در حکم دریای تحت نفوذ خود می‌داند.

پس آیا روسـیه از ایران به عنـوان اهرم چانه‌زنی در مذاکـرات با آمریکا درباره اوکراین استفاده خواهد کرد؟

در ایـن مورد تردید دارم که مسـکو بخواهد ایران را بـه عنوان یک برگ معامله در مذاکـرات با واشـینگتن به کار بگیرد. ترامپ در سیاسـت خارجی خود نه اعتبار قابـل اتکایی دارد و نه ثبات رویه. پوتین به این واقعیت آگاه اسـت. ترامپ یک روز از زلنسـکی حمایت می‌کنـد و روز دیگر از پوتین. علاوه بر ایـن، کنگره جدید آمریکا کـه از ژانویـه آغاز به کار خواهد کـرد و در اختیار دموکرات‌ها قـرار خواهد گرفت، می‌توانـد ترامپ را وادار کنـد در برابر پوتین موضع سـخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کند و کمک‌های نظامی به اوکراین را افزایش دهد. این مسـئله از جمله موضوعاتی است کـه دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان را با یکدیگر متحد می‌کند. به عبارت دیگر، آنها حتی می‌توانند برای بی‌اثرکردن وتوی رئیس‌جمهور اقدام کنند. پوتین از این واقعیت آگاه است. نکته دیگر اینکه اکنون اروپا به بزرگ‌ترین حامی اوکراین تبدیل شده است و کشـورهای اروپایی حاضر نیسـتند اجازه دهند آمریکا توافق صلحی را بر اوکراین تحمیل کند کـه به زیان اوکراین و امنیت اروپا باشـد. همچنین نباید فراموش کنیم قانون اساسی اوکراین به رئیس‌جمهور این کشور اجازه واگذاری هیچ بخشی از قلمرو اوکراین را نمی‌دهد. به‌طور خلاصه، ترامپ قادر نیسـت چیزی به پوتین بدهد که در صورت استفاده مسکو از ایران به عنوان یک برگ معامله، بتواند منافع ازدست‌رفته روسیه را جبران کند. خود پوتین نیز به افق بلندمدت‌تری می‌اندیشد و در محاسبات راهبردی او، رابطه با ایران اهمیت دارد. البته روسـیه در عمل می‌تواند هم‌زمان دو سیاسـت را دنبال کند؛ حفظ همکاری راهبردی با تهران و اسـتفاده از روابط خود با واشـینگتن برای کسـب امتیاز در پرونده اوکراین و تحریم‌های روسیه. با این حال، با توجه به دلایلی که توضیح دادم، تصور نمی‌کنم این گزینه مورد علاقه پوتین باشد.

بیاییم روی پرسش اصلی‌تر که انگیزه واقعی آمریکا از اعلام راهبرد جدید دروازه آهنین چیست؟

تصور من این است که آمریکا این اقدام جدید را از سر استیصال اعلام کرده است؛ تلاشی برای واردکردن فشار روانی بیشتر بر تهران، با این امید که بتواند خواسته‌های ترامپ را محقق کند. احتمالا این اقدام بیش از هر چیز با هدف نشان‌دادن این موضوع صورت گرفته که ترامپ برای دستیابی به اهدافی که تاکنون محقق نشده‌اند، در حال انجام کاری اسـت. به این ترتیب، او می‌تواند زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری درباره ازسرگیری اقدام نظامی علیه ایران به دست آورد.

پس شما هم جنگ مجدد را محتمل می‌دانید؟

اگر ترامپ قصد داشـته باشد بار دیگر گزینه نظامی را در دستور کار قرار دهد، به نظر من این اقدام باید پیش از آغاز به کار کنگره جدید صورت بگیرد. ولی در نهایت، من نمی‌بینم این کمیته ۲۰نفره مربوط به پروژه دروازه آهنین، چگونه بتواند پیش از آن زمان دستاورد عملی و قابل توجهی داشته باشد.

اگر آمریکا بتواند فشـار را از مسـیرهای دریایی به مرزهای زمینی و دریای خزر گسـترش دهد، عملا با نوعـی محاصره چندلایه و فرامرزی مواجـه خواهیم بود که دامنه آن از مناسـبات دوجانبه تهران و واشـینگتن فراتر می‌رود و منافع روسیه و دیگر کشورهای همسایه را نیز درگیر می‌کند. چنین راهبردی چه پیامدهایی برای نظم امنیتی منطقه خواهد داشـت؟ آیا این اقدام می‌تواند به شکل‌گیری هم‌گرایی بیشتر میان ایران، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی منجر شود یا برعکس، با افزایش هزینه همکاری با تهران، برخی همسـایگان را به فاصله‌گرفتن از ایران سوق خواهد داد؟ در نهایت، این سـطح از فشار تا چه اندازه می‌تواند به تغییر محاسبات سیاسی ایران منجر شود و از چه نقطه‌ای خطر گسترش بحران به یک رویارویی منطقه‌ای افزایش می‌یابد؟

هنوز کسی نمی‌داند آمریکا بتواند به همکاری این کشورها به اندازه کافی یعنی به اندازه علاقه خود برسد. البته هم گفتم احساس نمی‌کنم برسد، اما فکر نمی‌کنم فشار آمریکا باعث شود همکاری جمهوری اسلامی ایران با این کشورها، به استثنای روسیه بیشتر شود.

از پروژه دروازه آهنین عبور کنیم و به معادلات اخیر بین روسـیه، ایران و آمریکا در پرتو معادلات دیگری برسیم. پوتین پیش‌تر پیشنهادهایی درباره انتقال اورانیوم با غنای بالای ایران به خاک روسیه و ایفای نقش مسکو در حل‌وفصل مناقشه هسته‌ای مطرح کرده بود. با توجه به اینکه مسـئله ذخایر اورانیوم و سرنوشت مواد غنی‌شده یکی از گره‌های اصلی اختلاف تهران و واشنگتن است، پیشنهاد روسیه تا چه اندازه می‌توانـد مبنای یک توافق عملی قرار گیرد؟ آیا مسـکو از ظرفیت فنی، سیاسـی و دیپلماتیک لازم برای ارائه تضمین‌های مورد نظر ایران برخوردار است؟ اساسا تهران تا چه اندازه می‌تواند به راه‌حلی اعتماد کند که بخشـی از دارایی راهبردی هسته‌ای خود را به کشوری ثالث منتقل می‌کند؟ آیا این پیشنهاد می‌تواند به شکستن بن‌بست مذاکرات منجر شـود یا صرفا راهکاری موقت برای خرید زمان و جلوگیری از تشدید تنش است؟

کوتاه پاسـخ می‌دهم. به نظرم پیشنهاد پوتین درباره انتقال اورانیوم با غنای بالای ایران به خاک روسیه و ایفای نقش مسکو در حل‌وفصل مناقشه هسته‌ای، راهکاری موقت برای خرید زمان و جلوگیری از تشـدید تنش اسـت. گذشته از این، مسکو می‌خواهد به ترامپ نشان دهد سعی دارد نقشی برای اصلاح مثبت در این بحران ایفا کند، در حالی که اعتقاد ندارد این پیشـنهاد مورد علاقه تهران باشد.

اگر چنین است، سـفر اخیر محسن رضایی، دبیر شـورای عالی امنیت ملی، به مسـکو و دیدار او با ولادیمیر پوتین را می‌توان در چارچـوب تحرک تازه دیپلماتیک ایران برای مدیریت بحران و رایزنی درباره ترتیبات پساجنگ ارزیابی کرد؟ این سفر، در کنار تماس‌ها و رایزنی‌های پیشین، از فعال‌شدن ظرفیت دیپلماتیک شورای عالی امنیت ملی در ارتباط با بازیگران مؤثر بین‌المللی حکایت دارد. به نظر شما، مأموریت اصلی این سفر چه بوده است؟ آیا مسکو می‌تواند به واسطه ارتباطات خود با تهران و واشنگتن، زمینه انتقال پیام‌ها و شکل‌گیری تفاهم‌های اولیه را فراهم کند؟ همچنین فعال‌شدن کانال شعام در مسکو چه نسبتی با روند دیپلماسی رسمی وزارت خارجه و مذاکرات به ریاست محمدباقر قالیباف دارد و چگونه می‌توان این مسیرها را در قالب یک راهبرد هماهنگ و مکمل تحلیل کرد؟

واقعیت این اسـت که هنوز نمی‌توان با قطعیت درباره مأموریت اصلی این سفر و اهدافی که دبیر شـورای عالی امنیت ملی ایران از سـفر به روسیه دنبال می‌کرد، اظهارنظر کرد. حداقل من اصلا نمی‌دانم مأموریت اصلی این سفر چه بوده است و دبیر شعام چرا به روسیه سفر کرد.

ارزیابی شخصی‌تان چیست؟

می‌تـوان چند احتمال را در این زمینه مطرح کرد. برای مثال، ممکن اسـت یکی از محورهای این سـفر، بررسی پیامدهای شکست ترامپ و حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای و تأثیر احتمالی آن بر رویکرد دولت آمریکا در قبال ایران بوده باشـد. به‌ویژه آنکه این تحولات می‌تواند بر محاسـبات سیاسی ترامپ و تصمیم او درباره آینده تقابل با ایران، از جمله احتمال ازسرگیری درگیری نظامی در دو ماه آینده، تأثیـر بگذارد. در کنار این موضوع، تقویـت همکاری‌های دوجانبه و هماهنگی‌های راهبردی میان تهران و مسـکو نیز می‌تواند از دیگر محورهای گفت‌وگو بوده باشـد. البته تأکید می‌کنم این موارد صرفا گمانه‌زنی و مبتنی بر برداشت تحلیلی من است و نه اطلاعاتی قطعی درباره دستور کار این سفر.

در تحلیل رفتار روسـیه باید میان نقش اعلامی این کشـور بـه عنوان میانجی و محاسـبات راهبردی آن در قبال تداوم بحران تمایز قائل شد. برخی تحلیل‌ها بر این فرض اسـتوارند که تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه دارد، مسکو لزوما از حل‌وفصل سـریع و کامل منازعه ایران و آمریکا اسـتقبال نمی‌کند؛ زیرا تداوم تنش کنترل‌شده می‌تواند بخشـی از ظرفیت سیاسـی، نظامی، امنیتی و دیپلماتیک واشینگتن را در خاورمیانـه درگیر نگـه دارد و از تمرکز کامل آن بر جبهه اروپا بکاهد. از منظر شـما، این فرض تا چه اندازه با منافع واقعی کرملین سـازگار است؟ آیا روسیه میان جنگ تمام‌عیار و توافق جامع، وضعیت میانی تنش کنترل‌شـده را برای خود کم‌هزینه‌تر و حتی سـودمندتر می‌داند؟ مرز میان بهره‌برداری راهبردی از بحران و تلاش واقعی برای پایان‌دادن به آن کجاست؟

من بیشتر با فرضیه نخسـت موافقم. به اعتقاد من، هم‌زمانی درگیری آمریکا در بحـران با ایران و خطـای راهبردی بزرگی که ترامپ در جنگ با ایران مرتکب شـد، موجب تضعیف موقعیت واشنگتن شده و در عین حال، اقتصاد اروپا را نیز که یکی از بزرگ‌ترین حامیان اوکراین به شمار می‌رود، با آسیب‌های جدی مواجه کرده است. از این منظر، هرچه تقابل میان ایران و آمریکا یا وضعیتی از تنش کنترل‌شده میان دو طرف طولانی‌تر شود، فرصت بیشتری برای مسکو فراهم خواهد شد تا از پیامدهای ایـن وضعیت به نفع خـود بهره‌برداری کند. در واقع، به نظر می‌رسـد تداوم چنین بحرانی، بدون آنکـه به یک جنگ تمام‌عیار و غیرقابل کنترل منجر شـود، می‌تواند برای روسـیه واجد مزایای راهبردی قابل توجهی باشد. با این حال، پرسش اساسی این اسـت که محاسبات کرملین در این زمینه تا کجا پیش می‌رود؟ آیا روسیه اساسا وضعیت میانی، یعنی تداوم تنش در سطحی کنترل‌شده و بدون دستیابی به توافقی جامع را مطلوب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین سناریو برای منافع خود می‌داند؟ و مهم‌تر از آن، مرز میان بهره‌برداری حساب‌شده از بحران و تلاش واقعی برای مهار آن و حرکت به سمت پایان درگیری کجاست؟

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

آگهی مزایده عمومی
شرکت نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان
نمایشگاه بین‌المللی اصفهان ISFAHAN EXHIBITION
شـرکت نمایشـگاه هـای بیـن المللـی اسـتان اصفهـان در نظـر دارد **" حـق بهـره بـرداری از ظرفیـت هـای تبلیغاتـی سـایت نمایشـگاه بیـن المللـی اسـتان اصفهـان "** را از طریق مزایـده عمـومی بـه پیمانـکار واجـد شـرایط واگـذار نمایـد ، لـذا کلیـه پیمانـکارانی کـه در ایـن زمینـه دارای رزومـه فعالیـت هسـتند می تواننـد جهـت دریافـت اسـناد مزایـده **از تاریـخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ لغایـت ۱۴۰۵/۰۸/۲۷** بـه واحـد مـالی و قراردادهـای شـرکت واقـع در اصفهـان، کمربنـدی شـرق، بزرگـراه اسـتاد پـرورش، شـهر نمایشـگاهی اصفهـان ، سـاختمان چهلسـتون، امـور مـالی و قراردادهـا مراجعـه نماینـد .
آخریـن مهلـت تحویـل پیشـنهادات مزایـده بـه واحـد حراسـت : ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و یک مرحله‌ای تعدیل پذیر شماره ۰۴/۱۱۷۳/م ع ل
تهیه، ساخت و نصب کانکس‌های مسکونی پیش ساخته جهت برپایی کمپ مسکونی در منطقه لاوان
شرکت نفت فلات قاره ایران- منطقه لاوان در نظر دارد مناقصه فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید. رویت متن کامل دعوت نامه و کلیـه مـراحل بـرگـزاری منـاقصه صرفاً از طـریق درگاه ستـاد بـه آدرس **WWW.setadiran.ir** و شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۴۵۴۶۰۰۰۰۰۹ انجام خواهد شد.
لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، در سایت مذکور ثبت نام و گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان دریافت نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
تلفن: ۲۳۹۴۵۰۲۴-۰۲۱ فاکس: ۲۳۳۸۲۲۵۱-۰۲۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
شناسه آگهی ۲۳۱۹۲۰۵ روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران